ادارهٔ جریدهٔ علمیهٔ نور در طهران
محله سنگلج گذر در خانقاه
کلیهٔ امور اداره با مدیر کل ناظم الاسلام
امین اداره و دبیر میرزا کاظم خان طبیب کرمانی

نور

محل وجوه و توزیع اداره است قیمت سالیانه
دوازده هزار دینار خارج بانضمام وجه پست
یکشنبه ۲۹ ذی‌الحجة الحرام سنه ۱۳۲۰ هجری سال
توشقان ئیل ۲۹ مارس ماه فرانسه ۱۹۰۳ مسیحی

در این جریده مطالب راجعه بمدارس و مسائل علمیه و ادبیه و سیاسیه و فواید عامه نوشته میشود هر نوع مطالب و اعلان مفید بحال مملکت که منافی با دولت و ملت نباشد پذیرفته و مجاناً طبع میشود ماهی چهار نمره طبع و توزیع میشود مراسلاتی که صاحب آن معلوم نباشد اداره در انتشار آن آزاد است قیمت شش ماهه که مطالبه میشود در سال دوم بر عدد صفحات افزوده خواهد شد اسامی مشترکین متدرجاً درج خواهند شد

فهرست مندرجات

(تشکر)

بنام خدای جهان آفرین

زمانی جهال مملکت ما گمان میکردند که دولت و رجال دولت مانع ترقی ملت اند و اقدامی در تعمیر ملک و مملکت نمیکنند و حال آنکه با این گمان فاسد و این ظن کاسد خود را از ترقی خواهان دولت و دوستداران ملت میدانند چه هنوز ندانسته که ترقی چیز و تمدن یعنی چه نمیباشند این گروه جز مغرضین و مفسدین و سفهاء چه تا کنون آنچه اصلاحی در مملکت شده بواسطهٔ دولت بوده و ترقی که حاصل شده باقدام اولیاء دولت جاوید آیت بوده و واضح و روشن است که میل مبارک اعلیحضرت شاهنشاه روحی له الفداء و خاطر شریف حضرت اشرف اتابک اعظم همواره مصروف در استحکام بنیان تمدن بوده اند مانند ادیگر سلطنت تقدم مقدس این سلطان عادل ترقی

خواه مفتخر و مزین گردیده چقدر در کار دانش و علوم و صنایع بالا رفته است

از جمله مآثر این عهد جاوید مهد رواج بازار علوم مدارس و جراید است خصوص طلوع نور و زکه بعد از آنکه ادارهٔ جلیلهٔ وزارت مطبوعات و دار الترجمهٔ دولتی و ریاست جراید مرحمت و تفویض شد بحضرت مستطاب اجل آقای ندیم السلطان که فضل و دانش را رایج و فاضل و اهل بینش را مروج اند این خادم شریعت را ماذون و مجاز فرمودند که باظهار خدمت بدولت و ملت باینکه مطالب علمیه را که در کتب متفرقه و در جراید منتشره بالسنهٔ مختلفه مسطور است با آنچه که از افواه رجال اخذ شده بزبان فارسی بقلم ساده بنیادشا خالی از اطناب و تطویل بهموطنان خود برسانند امید است که ذره از خدمات این خادم شریعت مقبول افتد در عتبهٔ علیهٔ مقدس شاهنشاه و سدهٔ سنیهٔ اقدس ظل الله اسلامیان پناه و ایرانیان امیدگاه السلطان الاعظم و الخاقان المعظم ابو النصر و الظفر السلطان مظفر الدین شاه قاجار ادام الله ظلال دولته الی ظهور دولة سیدنا و مولانا حجة القائم بالحق امام العصر عجل الله فرجه

(مسئلهٔ صرفی)

در واو جمع گاهی الف رسم کنند تا فرق باشد میان جمع و مفرد پس این الف علامت است برای واو جمع لا آنکه گاهی در مفرد مضارع از ناقص واوی الف در واو رسم کنند اینها در وقتی است که اراده کنند مبالغه و تکرار در فعل را مثل اشکوا بثی و حزنی الی الله و مثل تتلوا علیهم آیاته رسم الف در این واو برای تشبیه بواو است بواو جمع

(لغات از نمرهٔ ۱ ص ۲)

۱۲ـ الشعث بتحریک یعنی پراکنده بعضی بسکون گویند و این غلط است ۱۳ـ النهج بفتح راه روشن و بتحریک غلط است ۱۴ـ الذبح بالکسر ما یذبح و گفتن بعضی وقع ذبح الغنم بکسر غلط است ۱۵ـ روحانی با ضم صحیح است و بفتح غلط است در بعض نسخ مجمع البحرین بفتح الحاء است ۱۶ـ سبحه بضم یعنی تسبیح است که در دست گیرند و متعارف است و گفتن بعضی بفتح غلط است ۱۷ـ شیخ کبیر را گویند که گذشته باشد از عمرش.....

و همچنین بعضی که آمده است در لغت عرب بمعنی کثیر الحسن
کثیر المال کثیر العلم کثیر القبیله کثیر الاولاد بی ماخذ است

۱۸ — جرد بفتح بمعنی کهنه است و منه قطیفة جرد و بضم غلط است

۱۹ — جعد بفتح است و منه جعد الشعر و بضم غلط است

۲۰ — فضله را اهل لغت بفتح ذکر کرده اند و احدی بضم نگفته است مگر شارح رضی

۲۱ — معاف بمعنی مشهور در محاورات غلط است و صحیح در این مقام معفو است عجب است از صاحب منتهی الارب که در معنی استعفا این لفظ را استعمال کرده با اینکه ماخذ صحیحی از برایش نیست مگر اینکه بگوید این لفظ غیر عربی است

۲۲ — موعود در مقام دعوت ذکرش غلط است و صحیح در این مقام مدعو است (بقیه دارد)

(کرویت زمین از نمرهٔ ۵)

دوم از دلایل کرویت زمین استداره ظل زمین است بر صفحهٔ قرص ماه در اوقات خسوف و این امتحان واضح است سیم از دلایل کرویت زمین سیر سیاحان چند است در محیط زمین که ابتداء از نقطهٔ معلومی بطرفی توجه نموده اند تا بمبدء حرکت رسیده اند اول کسیکه باین قصد دور دنیا حرکت کرد (ماژلان) سیاح معروف بود که از اسپانیول در سال ۱۵۱۹ مسیحی در عهد شارل کن پادشاه با سه کشتی رو بمغرب حرکت کرد و اسم کشتی (ماژلان) (ویکتوار) (کونسپسیون) (سنت ترینیته) از اقیانوس اطلس عبور کرد بامریکای جنوبی رسید آنوقت رو بجنوب آمد تا انتهای امریکا رسید پس رو بمغرب از تنگه مشهور ماژلان عبور نموده داخل اقیانوس کبیر شد همینطور رو بمغرب با زحمت و ابتلای زیاد رفت تا بالاخره بجزایر فیلیپین رسید و آنجا در جزیرهٔ ماتان کشته شد ولی همراهانش همینطور رو بمغرب با زحمات خارج طاقت آمدند و از چهار کشتی یک کشتی ویکتوار باقی ماند که از راه دماغهٔ امید واری باسپانیول مراجعت کرد در صورتیکه از اول تا آخر تمام رو بمغرب حرکت کرده بود و روزیکه رسید در روزنامهٔ (الکانو) روز چهارشنبه ششم سپتامبر معین بود در صورتیکه تمام فرنگان آن روز را روز پنجشنبه هفتم میدانستند و آنوقت تعجبها مینمودند مثل اینکه ما حالا تعجب میکنیم ولی یقین است چون حرکت آنها متصل رو بمغرب بود آفتاب هر روز دیرتر از روز سابق غروب میکرد لهذا یک روز کمتر

آوردند بعد از زمان ایشان دیگر مردم متعلق خیلی ذکری کرده‌اند
والحال هر انجمن ملاحی چند مرتبه دو گروه را مبتوا اند
بکردند　　(بقیه دارد)

(قضا از نمرهٔ ۱ ص ۸)

قاضی لااقل باید دوازده علم را دارا باشد
اوّل علم لغت عرب دویم علم صرف سیم علم اشتقاق
چهارم علم نحو پنجم علم اعراب ششم علم منطق
هفتم علم معانی و بیان و بدیع (علم بیان بمعنی اعم)
هشتم علم حساب نهم علم هیئت دهم علم کلام
(حکمت الهی) یازدهم علم اصول دوازدهم
علم فقه
چند علم دیگر هم بطور اختصار لازم است در علم
اصول و فقه و کلام بلکه اکثر ما تقدم باید اجتهاد کرده
باشد نه اینکه بتقلید بداند　　(بقیه دارد)

(فرق بین اخباری و مجتهد)

اوّلاً آنکه مجتهد واجب میداند اجتهاد را بوجوب عینی
یا تخییری و اخباری اجتهاد را حرام میداند مرحوم
فیض در این مقام عبارتی که میفرماید نه مجتهدم
و نه متفلسف نه مقلدم و نه متصوف بلکه تابع قرآن و
اهل بیتم　　دویم مجتهد ادله را چهار میداند کتاب و
سنت و اجماع و دلیل عقل اخباری منحصر کرده و میداند
کتاب و سنت را فقط　　سیم مجتهد جایز میداند
عمل بظن را در نفس حکم شرعی و اخباری اعتماد نمیکند
مگر بر علم لکن علم نزد ایشان قطعی و واقعی و عادی
را شامل است　　چهارم مجتهد اخبار را چهار قسم میکند
اخباری دو قسم صحیح و ضعیف　　پنجم مجتهد اخبار را
چهار قسم میکند بهمان تفسیری که در کتب ذکر کرده‌اند
و اخباری میگوید خبر صحیح آنست که محفوف باشد بقراین که
باعث شود علم بصدور او را از معصوم و ضعیف سوای
این است　　ششم مجتهد حصر میکند مردم را در دو صنف
مجتهد و مقلد اخباری میگوید مردم باید مقلد معصوم
باشند　　هفتم مجتهد واجب میداند در حال اجتهاد را
در زمان غیبت و اخذ از معصوم مراد در زمان حضور اخباری
میگوید واجب است اخذ مطلقا اگرچه بواسطه باشد
هشتم مجتهد جایز نمیداند فتوی دادن را و نه اجرای
امور حسبیه را مگر از مجتهد اخباری میگوید جایز است

از برای ذاری که مطلع باشد بر احکام معصومین مجتهد قائل است باینکه مجتهد مطلق عالم است باحکام الله بواسطه ملکه اجتهاد و میگویند عالم باحکام نیست مگر معصوم دهم مجتهد شرط میدانند در استنباط علوم چند اخباری شرط نمیدانند مگر معرفت باصطلاحات اهل بیت را یازدهم مجتهد عمل میکند در مقام ترجیح بین اخبار متعارض بهر چه که موجب ظن اجتهادی است اخباری عمل نمیکند مگر بمرجحی که از معصوم رسیده باشد دوازدهم آنکه مجتهد عمل میکند بظواهر الفاظ مظنون الدلالة واطلاقات وبلازمات وبمفاهیم وغیرها اخباری عمل نمیکند مگر بآنچه مقطوع الدلالة باشد (بقیه دارد)

(مخترعین از نمره ا ص ٥)

١٨ ـ اول کسیکه اختراع صابون نمود سلیمان پیغمبر بود

١٩ ـ مخترع کاغذ حضرت یوسف بود

٢٠ ـ اول کسیکه در اسلام در کاغذ کتابت نمود حجاج بن یوسف بود

٢١ اول کسیکه خر بر مادیان کشید و قاطر بعمل آمد فریدون بود

٢٢ اول کسیکه فقاع را در اسلام قرار داد یزید بود

٢٣ ـ اول کسیکه اختراع نمود کفش را حضرت ابراهیم بود

٢٤ اول کسیکه بر اسب سوار شد حضرت ابراهیم ع بود

٢٥ ـ اول کسیکه مصافحه نمود نیز آنحضرت بود

٢٦ ـ اول کسیکه ختنه کرد نیز آنحضرت بود

٢٧ ـ اول کسیکه سفره ضیافت گسترد و بنای مهمانی گذارد نیز آنحضرت بود

٢٨ ـ اول کسیکه در فارسی شعر گفت بهرام گور بود

٢٩ ـ مخترع اماله بقراط بود که از کلاغ اخذ نمود

٣٠ ـ سکنجبین را نیز او اختراع نمود

٣١ ـ ماء الشعیر را نیز او ساخت

٣٢ ـ اول کسیکه در اسلام گمرک را قرار داد معویه بود

٣٣ ـ اول کسیکه در جهان شهرها کرد کیومرث بود

٣٤ ـ اول کسیکه از پشم و کرک لباس و گلیم ساخت نیز او بود

(اثبات حجت از نمره ا ص ٦)

و آن کتاب در مذهب برهمنان از قبیل کتب سماوی است و کتابی در روی زمین نزد آدمیان قدیمتر از آن نیست و ایشان مهادیو را منبع یعنی نبی میدانند دوم شهادت جاماسب در کتاب خود که پیش از آنحضرت

مسیح و خاتم علیهما السلام از طوفان نوح تا طوفان
آینده همه را بضوابط نجومی بیان نموده و تمام اخبار
او بر طبق اخبار اتفاق افتاده و در تصریح بودن
ذریت حضرت خاتم المرسلین از نسل دختر او و شهادت
امام حسین ع و ظهور دولت صاحب الامر بعد از غیبت
و خروج دجال نموده است و فی الجمله عبارات ایشان در
اذهان معاصرین از باب الغاز است لهذا بنقل
صاحب ترجمه اکتفا نمود (بقیه دارد)

(مدارس از نمره ۱ ص ۸)

ثانیاً آنکه ایرانیان از زمان گذشته علم و دانش را
دارا بودند چون ترویج نداشتند کمتر امداد مینمودند
اینهم الحمد لله در این دولت ترویج این شاهنشاه کاملاً
تکمیل و در ترقی است هر کس اندکی تأمل نماید بتصدیق
عرض ما را تا زمان انوشیروان و پرویز که ایران از همه جهت
بر سایر دول مزیت داشت از زمانیکه عرب مستولی
بر عجم و ایرانیان بشرف اسلام مشرف شدند اکثر
کتابخانهای ایشان را آتش زده و پراکنده و محو نمودند
اما.... باز در مقام علم و دانش بودند اخبار و [illegible]

از پیغمبر صلی الله علیه و آله و پیشوایان دین در تحریض
و ترغیب بر دانش رسیده در کتب مذکور و صحف و کتب مملو
و مشحون بفضیلت علم و علماء مدارسی که قبل از دولت
صفویه بنا شده است الآن موجود مدارسی که سابق بر آن
مکاتب در تمام ایران بنا شده و از هر مدرسه هر سال
جمعی فارغ التحصیل خارج میشوند لا تعد و لا تحصی
پس بر عهده نگارنده است شرح این تاریخ این مکاتب که
باین وضع مرتب شده در دار الخلافه طهران متجاوز از
پنجاه مدرسه معتبر بود که در هر مدرسه از ده نفر
الی صد نفر طلاب محصل فاضل که اکثر در تحصیل علم زیادتر
استاد و الیوم مشغول تحصیل و بعضی بدرجه اجتهاد
و گروهی قریب باجتهاد و اکثر از دولت جاوید آیت موظف
بعض از مدارس که نگارنده دیده و در آنها بوده تدریس
و تدرس نموده با اهل شوارد شده ذکر میکنیم که در
خارج بدانند تا از خبری نشده الا تکمیل و اصلاح و توسیع
دایره تمدن و علم انشاء الله سایر مدارس قدیمه ایران هم
ثبت خواهد شد و عدد مدارس جدید و شرح هر یک مفصل خواهد آمد

(صورت مدارس قدیمه)

(مدرسه خان مروی) (مدرسه صدر) (دار الشفا)
(مدرسه منیریه) (مدرسه حکیم هاشم) (مدرسه مهد علیا)
(مدرسه عبدالله خان) (مدرسه معیّر) (آصفیه)
(کاظمیه) (محسنیه) (شاهزاده خانم) (حاج بعلی)
(میرزا رضا قلی) (خالحصار) (سپهسالار قدیم) (ناصریه)
(وکیل الملک) (مجد الدوله) (قنبرعلیخان) (حاج ابوالفتح)
(امامزاده زید) (پامنار) (دانگی) (پاچنار) (وزیر)
(میرزا زکی) (یونس خان) (میرزا عبدالکریم) (سید عزیزالله)
(مدرسه ملک) (حاج سمعیل بزاز) (میرزا محمد علی) (آقا بهرام)
(مدرسه سرپولک) (امین الدوله کاشی) (سپهسالار جدید)
(معمارباشی) (سراج الملک) (خازن الملک) (شیخ عبدالحسین)
(مشیر السلطنه) (محمدیه) (میرزا موسی) (ملا آقا رضا) (آقا محمود)
(سیف الدوله) (سید موسی) (نظام الدوله) (امامیه) (مدرسه [illegible])

بعضی دیگر از مدارس که نگارنده ندیده در ثبت نکوشید این مدارس اکثر محل تحصیل اشخاصی است که از خارج طهران وارد میشوند بجهت تحصیل والا اهل طهران اکثر در خانها و منازل ملکیه و شخصیه خود مشغول تحصیل علوم میباشند و اکثر از اهل علم از این قسم میباشند (بقیه دارد)

(لزوم سلطنت قاهره از نمره ۱ ص ۸)

پس اگر آنها بمقتضای طبایع و مقاصد خود واگذار شوند هر آینه یکدیگر را مثل سباع بر و ماهیان بحر میدرند و یا اینکه بیکدیگر مشغول میشوند و غالبا هرج و مرج و نظام را مختل میگردانند پس بالضروره نوعی از تدبیر میباید که بواسطهٔ آن هریک را در منزلیکه مستحق آنست وا دارد و قانع گرداند بحق خود و شر را اضمحلال دهد و دست تعدی و تصرف و ورود حقوق هم را از یکدیگر کوتاه کند و بشغلی که مناسب یکدیگر است مشغول دارد و این نوع از تدبیر معنی سیاست مدن است پس نصب نمودن و انقیاد و اطاعت نمودن مر سلاطین و پادشاهانی که متکفل امر این نوع از تدبیر میباشند بر همه کس لازم و واجب است و بداهت حکم عقل و وجوب آن بر احدی مخفی نمیباشد و متفق علیه تمام ملل است شاهد بر مدعی فرمایش حضرت امیر علیه السلام است در جواب خوارج که میگفتند لا حکم الا لله فرمودند که نعم لا حکم الا لله ولکن هؤلاء یقولون لا امرة ولا بد من امیر برّ او فاجر یعمل فی امرته المؤمن و یستمتع فیها الکافر و یبلغ الله فیها الاجل و یجمع بها الفیء و یقاتل بها العدو و یأمن بها السبل و یؤخذ بها للضعیف

من القوی حتی یستریح بر و یستراح من فاجر
یعنی نیست حکمی مگر از برای خدا و هر حکم
که غیر از حکم خداوند است باطل و زایل است لکن
مراد این گروه نه این است بلکه میگویند که مردم را
امیری و امامی در کار نمیباشد و باید که در
جمیع امور رجوع بقرآن کرد و حال آنکه مردم را
ناگزیر است از امارت امیری و سلطنت سلطانی
خواه آنکه آن امارت و سلطنت بطریق نیکوئی
و خوبی کرده باشد یا بطریق زشتی و بدی کرده
باشد تا آنکه عمل و کار خود را بنماید در امارت
و سلطنت او مؤمن و برخوردار بگردد و فایده
ببرد کافر و تا آنکه برساند خداوند در آن
امارت و در ایام آن دولت هر چیز را بمدت
خودش و جمع نموده بشود بواسطه آن
امارت غنیمت و فواید و مقاتله نموده بشود
با دشمن و امن بگردد راهها و کوفته
شود حق هر ضعیفی از آنانکه قوی میباشند
تا آنکه استراحت بیابد و آسوده گردد
مؤمن و نیکوکار و آسوده گی حاصل شود مردم را
از فاجر و بدکردار و مؤمنین و نیکوکاران بامر
معیشت معاد و دین خود　　(بقیه دارد)

(حکومت کرمان)

جناب حجة الاسلام آخوند ملا علی اکبر مجتهد کرمانی که از
فحول علمای آن سامان و متدین و با تقوی در علم و زهد مسلم
محل وثوق و اعتماد عموم اهالی قولش صدق و فعلش حق شرح
حالات ایشان را در تذکرة العلماء مفصلاً درج و ثبت کردیم
این شخص محترم شرحی از کفایت و حسن سلوک و محاسن امارت
سیاست حکومت جلیله کرمان مرقوم فرموده که در نمره های آتیه خواهد
آمد　　(بقیه دارد)

ایام	[illegible]	[illegible]	وقایع ایام سال ۱۳۲۰ هجری
یکشنبه	۹۸	۹۸	مهای فوق العادة
دوشنبه	سلخ	۸۵	هوا صاف و معتدل
سه شنبه	غره	۸۱	سنه ۱۳۲۱
چهارشنبه	۸	۱	
پنجشنبه	۸	۸	
جمعه	۸	۸	
شنبه	۵	۸	هوا صاف و معتدل